

● تحلیل‌ها و گزارش‌ها

اقتصاد اجتماعی مطلوب و سیاست‌هایی

برای احیای اقتصاد ژاپن

سیاست‌هایی برای احیای اقتصاد "جمع‌آوری و در تاریخ ۵ ژوئیه در اجلاس عمومی به نخست‌وزیر ارائه گردید. این گزارش در نهایت در تاریخ ۸ ژوئیه سال ۱۹۹۹ توسط کابینه‌ی ژاپن تصویب شد که اهم مطالب آن به قرار زیر است:

مقدمه: به سوی عصر دانش

در سال مالی ۱۹۹۸ اقتصاد ژاپن با رکود وخیمی مواجه شد و لذا دولت جهت مقابله با این وضعیت می‌بایست سیاست‌های ضد رکود و به موازات آنها سیاست‌های مشخصی جهت نیل به یک اقتصاد اجتماعی مطلوب را تدارک می‌دید. با توجه به این مطلب که ما در آستانه‌ی

به‌دنبال توصیه‌های آقای ابوچی نخست‌وزیر ژاپن در ژانویه سال جاری، شورای اقتصاد^۱، مبادرت به برگزاری ۵۳ جلسه‌ی مشورتی به‌صورت گردهمایی مرکب از کمیته‌ی مفهوم اساسی، کمیته‌ی تحلیل مدل اقتصادسنجی، کمیته‌ی ترغیب اصلاحات ساختاری، کمیته‌ی زندگی شهروندان و فرهنگ، کمیته‌ی جهانی شدن و کمیته‌ی اقتصاد منطقه‌یی و زیربنای اجتماعی نمود.

علاوه براین، شورای مذکور از طریق اینترنت، دورنگار، تحقیق مشترک با صاحبان اندیشه و برگزاری همایش‌های عمومی و منطقه‌یی به بررسی عقاید و نظرات عمومی پرداخت.

نتیجه‌ی این بررسی‌ها در گزارشی تحت عنوان "اقتصاد اجتماعی مطلوب و

1. Economic Council

قرن جدیدی هستیم و تمدن جهانی با تغییرات شدیدی مواجه شده اجرای این سیاست‌ها توسط دولت ضروری است.

این تغییر را نمی‌توان "پیشرفت" یا "پیشبرد"، تلقی نمود بلکه ما با وضعیت تأسیس یک مرحله‌ی نوین و تاریخی توسعه یعنی حالتی که جامعه‌ی صنعتی مدرن به یک جامعه‌ی جدید دانش‌های گوناگون مبدل می‌شود، سر و کار داریم.

در اثنا‌یی که اقتصاد اجتماعی از حالت رکود جاری رهایی می‌یابد، به نحوی مناسب باید با جامعه‌ی مبتنی بر دانش تغییر شکل دهد. در واقع، اقتصاد اجتماعی مطلوب نه تنها دربرگیرنده‌ی ساختارها و فعالیت‌های اقتصادی، بلکه باید پیش‌شرطها، اهداف، مفهوم و ادارک ارزش‌هایی که در خدمت بنیان اقتصاد اجتماعی جدید قرار می‌گیرند را تجویز نماید.

چنان‌چه ما در این تلاش موفق شویم راه برای یک عصر جدید توأم با اطمینان و عزت و غرور هموار می‌گردد.

قسمت اول:

نیل به جامعه‌ی صنعتی مطلوب و تغییر شکل به عصر جدید

از هنگام اصلاحات میچی، ژاپن به‌طور

هوشمندانه در جهت تأسیس جامعه‌ی صنعتی مدرن قدم برداشت. شیوه‌ی را که ژاپن در این زمینه به کار گرفت بر فراگیری فن‌آوری و سازمان‌دهی از کشورهای پیشرفته‌ی اروپا و امریکای شمالی و اختیار نمودن استانداردها و سیستم‌هایی که مناسب‌ترین تشخیص داده می‌شد و اجرای این استانداردها و نظام در سراسر کشور، تحت ارشادهای دولت و همکاری بخش خصوصی بوده است.

بعد از جنگ جهانی دوم کلیه‌ی منابع و ظرفیت‌ها در جهت توسعه‌ی اقتصادی، به‌خصوص رشد صنایع مدرن هدایت گردید. لذا می‌توان چنین نتیجه گرفت که وفاق عمومی به اشکال زیر وجود داشته است:

الف) موقعیت بین‌المللی: توسعه‌ی اقتصادی به عنوان یک عضو کشورهای غربی

لیبرال
ب) اقتصاد صنعتی: تأکید بر توصیه‌ی اداری دیوان‌سالاری و جلب همکاری جهان صنعتی در تشکیل صنایع قادر به تولید انبوه و کالاهای استاندارد

ج) آموزش و پرورش: تربیت نیروی کار دارای پشتکار قوی، حس همکاری و با مهارت و دانش‌های عمومی جهت تناسب با تولید انبوه و استاندارد نمودن کالاها

ت) ساختار اجتماعی

تمرکز بر جامعه‌ی کارگرا^۱ و مرکب از «مردم شرکت»^۲ که وفاداری شدیدی به کار خود داشته باشند.

ث) مدیریت شرکت: اهمیت به «نظام مدیریت ژاپنی» و سستی استخدام مادام‌العمر، سرمایه‌گذاری بلندمدت و گرایش‌های گروهی. وفاق اجتماعی بین مردم، کارآیی، مساوات و ایمنی که عدالت را تشکیل می‌دادند، استوار گردیده بود. در آن دوران که ژاپن از ویرانی‌های جنگ بیرون آمده بود، این‌گونه شیوه‌های نیل به پیشرفت، امکان رشد اقتصادی سریع و بلندمدتی را به وجود آورد.

در نتیجه تولید ناخالص سرانه‌ی ژاپن از سال ۱۹۸۷ از رقم ایالات متحده سبقت گرفت و ژاپن توانست یک جامعه‌ی صنعتی مدرن و مطلوبی را ۱۲۰ سال پس از اصلاحات میجی، تدارک ببیند.

با این حال در نیمه‌ی دوم دهه‌ی ۸۰ ژاپن دیگر نمی‌توانست، صنعت مبتنی بر مدل تولید انبوه و استاندارد نمودن کالاها را ادامه دهد و لذا شرکت‌های تولیدی که نمی‌توانستند فرصت‌های تجاری با سودآوری کافی در داخل ژاپن پیدا نمایند به سرمایه‌گذاری در خارج از کشور و سرمایه‌گذاری در دارایی‌ها، نظیر املاک

و سهام روی آوردند.

در پایان دهه‌ی ۸۰ قیمت سهام و املاک در ژاپن به شدت ترقی نمود و چنین برآورد شده بود که ارزش کل املاک در ژاپن بالغ بر ۲۱۳۷ تریلیون ین یا حدود ۲/۷ برابر ارزش کل املاک در ایالات متحده رسیده بود. در ضمن ارزش جاری کل سهام در بازار سهام توکیو نیز به ۶۳۰ تریلیون ین می‌رسید که به مراتب بالاتر از ارزش کل سهام بازار نیویورک بود.

با این وجود قیمت‌های سهام و املاک از سال ۱۹۹۰ شروع به کاهش گذاشتند و سیکل مداوم رشد در اقتصاد ژاپن به انتهای خود رسید. در نتیجه، بسیاری از شرکت‌ها به حالت ورشکستگی درآمده و نهادهای مالی با مشکل «بدحسابی» مواجه شدند. در حال حاضر [تابستان سال ۱۹۹۹] اقتصاد ژاپن هنوز هم به حالت رشد اقتصادی کاملی نرسیده است.

رکود دهه‌ی ۹۰، به خصوص کاهش فعالیت‌های اقتصادی در طی سال‌های ۱۹۹۷ و ۱۹۹۸ در نتیجه‌ی جرح و تعدیل ادواری یک سیکل اقتصادی و یا عدم ثبات ناشی از وخامت نحوه‌ی مدیریت نهادها و شرکت‌های مالی نبود. مسأله‌ی اساسی آن است که «قاعده‌ی»

1. Work- Oriented
2. Company People

۱. جامعه‌ی مبتنی بر دانش

در جامعه‌ی آتی مبتنی بر دانش‌های گوناگون، ایجاد منظم دانش‌های جدید باعث احیای اقتصادی و فرهنگی می‌شود و لذا لازم است که محیطی که در آن جا بتوان دانش و اطلاعات را به آسانی دریافت و به سراسر جهان انتقال داد، تأسیس شود. هم‌چنین لازم است یک چارچوب و روحیه‌ی اجتماعی، جهت‌تعلیم و تربیت به مردم و سازمان‌ها در زمینه‌ی اخلاقیت و فردگرایی فراهم شود. جهت نیل به این منظور، مفاهیم، پرورش کودک، آموزش و پرورش، سلوک استخدام نیز برای تطابق با این جو جدید، باید تغییر یابد.

۲. کاهش زاد و ولد و جامعه‌ی فرتوت

با ورود به قرن بیست و یکم معضل پایین بودن میزان زاد و ولد و فرتوت شدن بافت جمعیت، حادث می‌شوند. برای حل این معضل، نظام و روش‌هایی نهادینه شوند که بتوانند در مقابل کاهش نیروی کار، از حدود سال ۲۰۰۵، ایستادگی نمایند. هم‌چنین لازم است که منابع عرضه‌ی گوناگونی که دارای توانایی جبران نقایص و ایجاد اصلاحات منظم و سایر عناصر مهم باشند، تعبیه شوند.

جامعه‌ی صنعتی ژاپن که در طی دوره‌ی بعد از جنگ جهانی دوم باعث رشد اقتصادی گردیده بود، دیگر نمی‌توانست با روندهای جدید تمدن بشری مطابقت نماید. برای ایجاد شرایط مورد نیاز پیشرفت ملت در قرن بیست و یکم، صنایع ساخت، باید دانش و فن‌آوری خود را در زمینه‌هایی که باعث تقویت بنیان کشور می‌شود به کار گرفته و فن‌آوری‌های تولید را توسعه داده و روحیه‌ی مشابه پیشکسوتان خود در زمینه‌ی شیوه‌ی ساخت کسب نمایند. هم‌زمان باید چارچوب، رفتار و کیفیتی را که باعث توسعه‌ی مهارت‌های لازم و ایجاد ارزش دانش‌های گوناگون در جامعه می‌شوند را توسعه داد. تغییرات متعارف جباری، از طریق بهبود بخشیدن سیاست‌های فردی و نظام‌ها، کافی نیست و بلکه اصلاحات ویژه‌ی نظام‌ها و سیاست‌ها با هدف اصلاح مفاهیم اقتصاد اجتماعی و ساختارها ضروری می‌باشد.

قسمت دوم:

پیش‌شرط‌های اقتصاد اجتماعی مطلوب

در حدود سال ۲۰۱۰ اقتصاد اجتماعی ژاپن باید به پیش‌شرط‌های زیر نایل شده باشد:

۳. جهانی شدن

قرن بیستم عصر کشمکش مداوم ایدئولوژی‌ها و برخورد بین گروه ملت‌ها بود. قرن بیست و یکم حاکی از تأسیس گروه‌های ملی که در آن هر ملتی در داخل و خارج برای نفوذ اقتصادی و فرهنگی خود رقابت می‌نمایند، می‌باشد. در این موقعیت، کالا، پول، اطلاعات و دانش و نیز مردم و شرکت‌ها، صرف‌نظر از مرزهای ملی خود، در حرکت خواهند بود. در اقتصاد اجتماعی مطلوب، نه تنها کالا، پول، اطلاعات و دانش باید آزادانه به داخل و خارج جریان داشته باشد، بلکه ژاپن به‌عنوان یک "مرکز توزیع" برای حرکت آنها در سراسر جهان مبدل شود.

قسمت سوم

اهداف اقتصاد اجتماعی "مطلوب"،

بیشترین آزادی و کمترین نارضایتی

۱. مفاهیم آزادی براساس "فردیت" و "قاعدگی عمومی"

در جامعه‌ی صنعتی مدرن، این مفهوم که مدرنیزه شدن یک اصل صحیح جهانی است در سراسر زندگی اجتماعی دارای نفوذ بود و چنین تصور می‌شد که استاندارد (معیاری) جهت سنجش میزان خوشبختی شهروندان وجود دارد. در عصری که تولید انبوه کالاهای استاندارد شده باعث بالا رفتن کارایی گردیده بود، عزم دولت به تهیه‌ی استانداردهای کالا و خدمات نیز به عنوان بهترین شیوه‌ی نیل به رفاه اقتصادی تلقی می‌گردید.

۴. محدودیت‌های زیست‌محیطی

نظام فعلی عرضه در کشور که براساس تولید انبوه کالاهای استاندارد شده استوار است، باید تغییر نماید. در حال حاضر در این نظام حالت "مصرف انبوه" و "عرضه‌ی انبوه" عملاً دارای اثرات منفی زیست‌محیطی بوده است. لذا علاوه بر بخش ساخت فرآورده که منابع را جهت تولید کالا مورد بهره‌برداری قرار می‌دهد، "ساخت معکوس"^۱ که بتواند کالاها را مجدداً به منابع تبدیل نماید نیز دایر گردد.

در جامعه‌ی مبتنی بر دانش‌های گوناگون، کالا، خدمات و نیز استخدام یا نظام شغلی و احساسات مردم نیز متنوع خواهد شد. لذا برای جامعه به صورت کل به حداکثر رسانیدن آزادی فردی که به مردم اجازه دهد، اهداف زندگی خود را انتخاب کرده و در راه نیل به این اهداف و به سلیقه‌ی خود، قدم بردارند از اهمیت زیادی برخوردار است. دنبال نمودن آزادی فردی نیاز به ایجاد

1. Inverse- Manufacturing

از معیشت و نجات کسانی که شکست خورده‌اند، نباید فدای منافع متنفذین گردد. در جامعه‌ی ایده‌آل اقتصاد اجتماعی "تور ایمنی" که کاملاً از حقوق و منزلت کلیه‌ی مردم حمایت نماید، ضروری است. از طرفی دیگر هم چنین لازم است که از نارضایتی کسانی که بارهای اقتصادی و اجتماعی را به‌عنوان پاداش برای خود به دوش می‌کشند، جلوگیری نمود.

۲. اقتصاد اجتماعی مبتنی بر حقوق و منزلت بشری
نظامی جهت دنبال نمودن یک حالت تعادل اجتماعی که در آن میزان نارضایتی به حداقل برسد، باشد.

۳. اقتصاد حافظ رشد
در اثنای که نیروی کار روندی نزولی به خود می‌گیرد، باید تلاش نمود که رشد اقتصاد ملی تداوم یابد. علت این امر آن است که تحدید کلی اقتصاد دارای عواقب ناگوار زیر خواهد بود:

- تسهیلات و بسدهی‌های دولت و بخش خصوصی شدیداً بالا می‌رود.
- فرصت‌های تجاری برای دولت و بخش خصوصی کاهش می‌یابد.

مفهوم «قاعده‌ی عمومی»^۱، که برای همه‌ی مردم قابل قبول باشد، دارد. برای اطمینان از این که افراد مستقل در اثنای که رشد اقتصادی مبتنی بر رقابت را دنبال می‌کنند، به آزادی یک‌دیگر احترام بگذارند و تفاهم مشترک از "قاعده‌ی عمومی" برای مردمی که یک جامعه را تشکیل می‌دهند، یک ضرورت است.

۲. اقتصاد اجتماعی مبتنی بر حقوق و منزلت بشری

در جامعه‌ی مبتنی بر دانش‌های گوناگون و با مشخصه‌ی پایین بودن نرخ زاد و ولد، فرتوتی بافت جمعیت و جهانی شدن، حفظ رشد اقتصادی دایم، احتیاج به ظهور فن‌آوری‌های شگرف و صنایع و فرهنگ پرورش یافته با خلاقیت و فردیت، از طریق رقابت شدید، دارد. در عین حال تعدادی از مردم در این جامعه‌ی رقابتی شکست می‌خورند و به لحاظ اجتماعی عقب می‌افتند. در جامعه‌ی اقتصادی اجتماعی مطلوب، باید حقوق کلیه‌ی مردم کاملاً رعایت شود و فرصت‌های چالش برای موفقیت و حفظ منزلت بشری محفوظ گردد.

بسنابراین مسأله‌ی سهم آن است که حقوق مردم و نه منافع متنفذین اقتصادی و یا صاحب اختیاران دولتی^۲ محفوظ گردد. حمایت

-
1. Public norm
 2. Vested interests

- تسهیلات در حال پوسیدگی و امور پرسنلی به بن‌بست می‌رسند.

- اختیارات فن‌آوری‌ها و سازمان‌های جدید، محدود و باعث اضمحلال نیروی حیات اقتصادی می‌گردد.

- نسل بعدی، رؤیای خود را می‌بازد و سازمان‌ها و افراد فعال به‌خارج از کشور می‌روند.

- بار مواظبت از بزرگسالان بر دوش نیروی کار، رو به کاهش می‌افتد و پتانسیل برخورد‌های احساسی بین نسل‌ها به‌وجود می‌آید.

یک اقتصاد اجتماعی مطلوب باید برخوردار از منابع متنوع و نظام و روحیه‌ی جهت‌جلوگیری از اضمحلال جمعیت باشد.

قسمت چهارم

مفهوم اقتصاد اجتماعی مطلوب (تنوع و خلاقیت در نوآوری)

چنانچه تصور نماییم که اقتصاد اجتماعی، پیش‌شرط‌های منظور در فوق را برآورده نموده و به اهداف خود نایل گردد، ساختار و روحیه‌ی اقتصاد اجتماعی زیر‌پدیدار خواهد شد:

۱. اقتصاد اجتماعی مبتنی بر فردیت مستقل^۱

اولین چیزی را که می‌توانیم در اقتصاد مبتنی بر فردیت مستقل ملاحظه نماییم آن است که در هنگام سوق تمدن به سوی عصر دانش‌های گوناگون، امکان ادامه‌ی نظام بوروکراتیک بعد از جنگ و همکاری بین صنایع مختلف وجود ندارد و نمی‌توان از طریق شیوه‌ی مدیریت ژاپنی به رشد بالایی دسترسی حاصل نمود و به‌طور طبیعی بعضی از جنبه‌های شیوه‌ی مدیریت ژاپنی نظیر استخدام مادام‌العمر و نظام حقوق براساس ارشدیت را نمی‌توان به شکل سابق نگهداری نمود. نظام اجتماعی که در آن "مردم شرکت"، به عنوان یک عنصر کلیدی، تحت نظام متعارف، محسوب شود، غیرقابل دوام خواهد شد.

در آینده، بنیان کامل اقتصاد اجتماعی بر مبنای افراد مستقل استوار خواهد گردید و هر فردی صفات بارز خود را نشان داده و حق انتخاب هر چیزی را بر طبق سلیقه‌ی خود دارد. لذا اصل رابطه‌ی "عمودی" جاری رفتاری به رابطه‌ی "افقی" که در آن افراد، شرکت‌ها و دولت به‌طور مساوی هستند، جایگزین می‌شود.

سازمان‌های ژاپنی متعارف دارای چند لایه‌ی سلسله‌مراتبی بوده و نظام مدیریت

1. Independent individuality

ادامه خواهد یافت اما بسیاری از مردم دارای تعلقات چندگانه، مثلاً گروه‌های کاری، تفریحی و غیره خواهند شد. در این جامعه، اقتصاد اجتماعی مطلوب به جامعه‌ی شهری سیال و محرک مبدل می‌شود که در آن مردم با شغل‌های گوناگون و عقاید مختلف با یک دیگر معیشت خواهند نمود.

۳. نقش دولت در اقتصاد اجتماعی

نقش دولت به طور عمده برقراری شرایط اجتماعی لازم جهت این که افراد مستقل، آزادانه و براساس سلیقه‌ی خود انتخاب نمایند و فردیت و خلاقیت خود را ابراز و با قواعد شفافی که از اهداف آنها حمایت می‌کند، عملکرد مناسب را ارایه دهند.

به‌طور سنتی دولت چارچوب نظام‌ها و برنامه‌ی عمل جهت اقتصاد اجتماعی را تعیین نموده و بخش خصوصی (شرکت‌ها) در آن چارچوب به فعالیت پرداخته است. مردم، به‌عنوان مصرف‌کنندگان براساس استانداردهایی که توسط دولت تعیین گردیده کالا و خدمات را انتخاب نموده‌اند.

این نظام در زمینه‌ی عرضه‌ی کالاها و خدمات استاندارد شده «کارآ» ولی در زمینه‌ی توسعه‌ی فن‌آوری و اشکال جدید عرضه، عقب

جمعی است که در آن تصمیم‌گیری‌ها از پایین به بالا جریان دارد. اقتصاد اجتماعی مطلوب خواستار فعالیت‌های سازمانی که در آن رابطه‌ی نزدیکی بین تصمیم‌گیری در بالا و اجرا توسط معاونین است، اعمال می‌شود.

۲. جامعه باحس تعلق و روابط چندگانه

حفظ و پیشرفت جامعه‌ی مبتنی بر افراد، نیاز به ایجاد محیطی عالی جهت ارتباطات دارد. این محیط وقتی ایجاد می‌شود که کلیه‌ی افراد، توانایی عملکرد و مهارت فکر کردن و بیان داشتن را کسب نموده باشند. آموزش و پرورش باید ارجحیت زیادی به پرورش مردم با خصوصیات فردیت، خلاقیت و توانایی دریافت و انتقال اطلاعات بدهد.

به‌علاوه، افراد حس تعلق خود را براساس سلیقه‌ی شخصی انتخاب می‌نمایند. تا به امروز، مردم مبادرت به تشکیل خانواده‌های کوچک یا بزرگ (مبتنی بر خون) گروه‌های منطقی‌ی، گروه‌های کاری و غیره نموده‌اند و در دوران بعد از جنگ، ژاپن شاهد ظهور "مردم شرکت" که دارای حس وفاداری و تعلق به محل کار خود بوده‌اند، بوده است.

اگرچه این نوع روابط حس تعلق انحصاری به یک محل و یا شرکت در آینده نیز

عرضه‌کنندگان موظف به افساسازی کلیه‌ی جزئیات عملکرد و چگونگی محصولات و خدمات خود خواهند بود.

از طرفی دیگر حقوق مصرف‌کنندگان در مورد نهفتن جزئیات فعالیت‌های مصرف باید مراعات گردد. حمایت از زندگی شخصی جزء لاینفک انتخاب مصرف‌کننده است.

۴. تغییر شکل مدیریت شرکت

در اقتصاد اجتماعی "مطلوب" شرکت‌ها و انجمن‌های بخش خصوصی به عنوان بدنه‌ی اصلی فعالیت‌های اقتصادی و سازمان‌دهنده‌ی فعالیت‌های فردی، به عنوان واحدهای جامعه، مبدل می‌شوند. در اثنا‌یی که رقابت شدیدی وجود دارد این شرکت‌ها و گروه‌ها باید همواره به روند بازار، حساس بوده و سعی نمایند، فن‌آوری و طرح‌های جدیدی را توسعه داده و بهبودهایی را در شیوه‌ی مدیریت خلاق و تربیت منابع انسانی عالی ایجاد نمایند. در جامعه‌ی صنعتی مدرن متعارف مزایای تولید کالاهای استاندارد قابل توجه بوده و شرکت‌های بزرگ با تسهیلات و سازمان‌های عظیم از مزیت و ارجحیت برخوردار بودند. این سازمان‌ها به صورت دارندگان دارایی بودند و لذا با مردم فاصله داشته و مردم (افراد) به عنوان

افتاده بود. نظر به این که در چارچوب سیاست‌های دولتی اهمیت زیادی به تجربیات گذشته داده می‌شود عملاً این شیوه به راهکارها و فن‌آوری‌های شگرفی رهنمود نگردیده و لذا استفاده از فن‌آوری‌های جدید و محصولات در ژاپن بعد از دوران جنگ عملاً در نتیجه‌ی پیشینه‌ی عالی تکنولوژیکی در کشورهای خارجی بوده است.

در جامعه‌ی آتی هر فردی محصولات و خدمات را براساس سلیقه‌ی خود انتخاب و مصرف می‌کند و نقش دولت، تعیین قواعد اقتصاد اجتماعی که به افراد اجازه‌ی انتخاب کالا و خدمات برحسب سلیقه‌شان را بدهد، خواهد بود. نقش دولت هم چنین مراقبت جهت این که قواعد مذکور رعایت شود و نیز جوابگویی سریع و مناسب به وقایع غیرقابل پیشینه می‌باشد.

در اقتصاد اجتماعی مطلوب، کلیه‌ی مردم قادر خواهند بود که کالاها و خدمات را براساس مهارت و تمایلات خود بفروشند و مصرف‌کننده‌ی فردی نیز متقابلاً قادر خواهد بود این فرآورده‌ها و خدمات را برحسب سلیقه‌ی خود و براساس اصل خود مسؤولیتی انتخاب نماید. این جریان باعث توسعه‌ی فن‌آوری و محصولات جدید و تحرک تقاضا خواهد شد.

جنسیت و برخورداری از منابع خارجی را افزایش داد.

در وهله‌ی اول باید چارچوبی را فراهم نمود که کار کردن برای بزرگسالان و کسانی که به پرورش کودک مشغول هستند، آسان گردد. عوامل کلیدی شامل کاهش دادن ساعات کار، توسعه‌ی صنایع و تسهیلات دارای مراکز نگهداری کودک و تسهیل در رفت و آمد به محل کار، بیمارستان، مدرسه و غیره می‌باشند.

علاوه بر این، نظام‌هایی مورد نیاز است که عرضه‌ی کالا و خدمات به حد کافی و با قیمت‌های مناسب را فراهم نماید. به‌خصوص چنان‌چه پایین بودن زاد و ولد و جامعه‌ی فرتوت بعد از سال ۲۰۰۷ را مجسم نماییم، مدیریت اجتماعی رضایتبخش، باید توأم با تأمین منابع گوناگون و گسترده شامل آموزش و تمرین شیوه‌ی زیست، جهت حمایت از خدمات پرستاری در کنار محیط زیست باشد.

ما ملاحظات خود در مورد اقتصاد اجتماعی را در چارچوب جمعیتی و یا فرهنگ و سنت خاصی محدود ننماییم. لذا برخورداری از خدمات شرکت‌ها و نیروی کار خارجی نیز برحسب ضرورت و تخصص‌های مورد نیاز باید مورد نظر قرار گیرد.

ما هم‌چنین باید چارچوب لازم جهت

اجزای سازمان محسوب می‌گردیدند.

در اقتصاد اجتماعی مبتنی بر دانش‌های گوناگون، سازمان‌ها مرکب از مردم (افراد) می‌شوند.

به‌طور خلاصه در جهانی که خلق ارزش‌های جدید به عنوان منبع رشد اقتصادی و سود بنگاه مبذل می‌شود، عمده‌ترین عامل تولید عبارت از دانش، تجربه و حساسیت یعنی عواملی که هرگز نمی‌توان آنها را از نوع بشر دور نگهداشت، خواهند بود.

ادامه‌ی نوآوری‌های جاری برای بقای رشد شرکت‌ها و انجمن‌ها ضروری است. مدیریت آتی بنگاه‌ها باید همواره از این نیروهای محرکه بهره‌برداری کند.

۵. اقتصاد اجتماعی با منابع متنوع

در حالی که کاهش زاد و ولد و فرتوت شدن جمعیت به معضلات عمده‌ی جامعه‌ی ژاپنی مبذل می‌شدند، لازم است که با تحرک لازم و کسافی عناصر لازم جهت احداث یک اقتصاد اجتماعی پرورش‌دهنده‌ی رشد اقتصادی و جمع‌آورنده و توزیع‌کننده‌ی کالا، پول، دانش و اطلاعات در جامعه‌ی بین‌المللی تدارک دیده شود. جهت موفقیت در این امر نباید سرمایه‌گذاری برای مردم، بدون توجه به سن و

پذیرش صمیمانه‌ی آنان و همزیستی مسالمت‌آمیز و تعامل با مردم گوناگون را تهیه نماییم.

قسمت پنجم

مفاهیم جدید ارزشی به عنوان استانداردهای انتخاب اقتصادی و عدالت اجتماعی

۱. کارآیی

در دوران دهه‌های ۵۰ و ۶۰ کارآیی (راندمان) به عنوان عنصر اساسی "عدالت" محسوب می‌شد. کارآیی از اهمیت زیادی برخوردار است و در اقتصاد اجتماعی مطلوب قرن بیست و یکم نیز جهت تقویت قدرت رقابت و نوآوری‌های تکنولوژیکی و اختصاص منابع انسانی و تسهیلات اجتماعی، عنصری محوری محسوب می‌شود. منابع کالاها، خدمات و سایر عواملی را که نمی‌توان در ژاپن به صورت کارآی ایجاد نمود، باید با بهره‌برداری از جهانی شدن تکمیل نمود.

۲. برابری

در عصر مدرن، برابری به عنوان بخش عمده‌یی از عدالت مورد تأکید قرار گرفته و اصولاً بر دو نوع است: "برابری در فرصت‌ها" به معنی آن که فرصت‌های مساوی برای چالش

کلیه‌ی مردم فراهم گردد و "برابری نتیجه" یعنی تأکید بر تأمین انصاف از طریق حرج و تعدیل‌های اختلاف‌های درآمد و استاندارد نمودن مصرف. در قرن بیستم بسیاری از ملت‌ها سازوکارهای تأمین "برابری نتایج" را از طریق ملی نمودن صنایع تولیدی و کنترل‌های بوروکراتیک آزمایش نموده‌اند، اما نتایج موفق‌ی میسر نگردد.

در اقتصاد اجتماعی "مطلوب"، مفهوم "برابری" همواره مهم خواهد بود ولی معنی آن ترکیب "برابری فرصت و حرج و تعدیل متعاقب آن" خواهد بود. در جوامعی که عوامل عمده‌ی تولید مردم (با دانش و تجربه و حساسیت‌های گوناگون) هستند، ملی نمودن عناصر تولید و قرار دادن آنها تحت کنترل انحصاری شرکت‌ها مشکل است.

در اینجا برابری به معنی آن است که کلیه‌ی مردم، فرصت مشارکت در هر چیز برحسب میل خود را دارند و اختلاف‌های ناشی از این نظام باید تصحیح و توره‌های ایمنی لازم جهت پیشرفت و ترقی همه‌ی مردم تأسیس گردد.

۳. ایمنی

در دوران بعد از جنگ جهانی دوم

و تقاضا اجرا نموده است. این روند نه تنها باعث محدود نمودن آزادی انتخاب می‌گردد بلکه به رکود فن‌آوری صنعتی و زیان‌های اجتماعی منجر می‌شود. در آینده محافظت از دارایی‌ها توسط دولت، باید اصولاً به تأمین اطلاعات دقیق و تأسیس تورهای ایمنی محدود گردد.

چهارمین جنبه‌ی ایمنی، سلامتی است. در دوران بعد از جنگ در ژاپن تلاش زیادی برای آلودگی‌زدایی و تأمین مراقبت‌های بهداشتی برای کلیه‌ی مردم به عمل آمد. در آینده، مردم باید بتوانند زندگی سالم‌تری نسبت به گذشته و براساس اصل آزادی انتخاب برای افراد داشته باشند.

در اقتصاد اجتماعی مطلوب زیباسازی و مراقبت از محیط طبیعی جهان نیز باید در تعریف "عدالت" گنجانیده شود. به بیانی دیگر در اقتصاد اجتماعی مطلوب زیباسازی و محافظت از محیط زیست جهانی جنبه‌هایی از عدالت برای تأمین ایمنی بلندمدت نسل بشر می‌باشد.

۴. آزادی

به طور سنتی آزادی در ژاپن به عنوان مظهری از عدالت شناخته نمی‌شد، اما از دوران بعد از جنگ جهانی دوم، تضاد بین کارآیی،

مسأله‌ی ایمنی در ژاپن از اولویت ویژه‌ی برخوردار بوده و لذا این روند در آینده نیز به عنوان مظهری از عدالت، تداوم خواهد یافت.

عناصر اولیه‌ی ایمنی، صلح و امنیت هستند. حفظ صلح و امنیت عمومی به نحو احسن، در آینده نیز باید مورد تأکید قرار گیرد. وقتی که جامعه‌ی رقابتی براساس "فردیت" آزاد، تأسیس و نیازهای گوناگون آن به رسمیت شناخته شود، چگونگی و شیوه‌ی حفظ صلح و ایمنی عمومی باید با تأیید اجتماعی برپا گردد.

عناصر ثانوی ایمنی پرهیز از تصادمات و سوانح می‌باشد. در دوران بعد از جنگ میالغ زیادی صرف جلوگیری از تصادمات و سوانح شده و مقام‌های دولتی مجبور گردیده‌اند، استانداردهای محکم‌تری را جهت محیط کار و نیز کالاهای گوناگون تدارک ببینند. اگرچه مساعی بیشتری جهت جلوگیری از حوادث و سوانح باید توسط دولت به کار گرفته شود، اما این استانداردهای دولتی نباید تنها عامل تعیین‌کننده باشند و لذا بهتر است که برای هر موقعیتی شیوه‌ی مناسبی تعیین گردد.

سومین عامل ایمنی، حفظ دارایی‌ها می‌باشد. تا به امروز دولت مقرراتی را جهت حفظ دارایی شهروندان نظیر حمایت مالی و مقررات ورود به بازار براساس دورنمای عرضه

معمولاً آزادی قبل از رسیدن به مرحله‌ی بحث سیاسی به علت تصمیم‌های مقام‌های اداری پایمال می‌گردد.

در اقتصاد اجتماعی "مطلوب"، آزادی شباهت نزدیکی با راندمان، برابری و ایمنی به عنوان عناصر تشکیل‌دهنده‌ی عدالت دارد.

برای این که اقتصاد اجتماعی "مطلوب"، چارچوب اقتصادی و روحیه‌ی دنیال نمودن پیشرفت و کامیابی از طریق استقلال فردی و رقابت را داشته باشد، "آزادی" باید به عنوان قسمت اصلی عدالت شناخته شود. چنانچه این نکته روشن نشود، ژاپن نمی‌تواند به یک بازیگر عمده‌ی اقتصاد جهانی مبدل شود.

سفارت جمهوری اسلامی ایران - توکیو

برابری و ایمنی بحث‌های عمده‌ی را در سراسر کشور برانگیخت که عملاً قالبی سیاسی به خود گرفت. سپس در بعضی از موارد و پس از مذاکرات لازم بین آژانس‌های دولتی مربوطه، توافق‌هایی انجام گرفت.

به عنوان مثال، مصالحه‌ی بین راندمان و کیفیت (مثلاً تأسیس تسهیلات مشابه در سراسر کشور) یا بین راندمان و ایمنی (مثلاً حدود سرعت اتومبیل) انجام گرفت و حد فاصل بین جنبه‌های مختلف عدالت برحسب پیشرفت‌های تکنولوژیکی و روندهای اجتماعی تعیین گردید.

با این وجود نظر به این که آزادی به عنوان عدالت قلمداد نمی‌گردد، در هنگام بروز اختلاف بین آزادی، راندمان، برابری و ایمنی،

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پڙهه ښکاري ځاي ځانگړي څيړنې
پرتال جامع علوم انساني